

«سود ساز از درد و رنج» توطئه سرمایه

نفس شیوه ی تولید سرمایه داری بر رابطه ای قرار دارد که استثمار انسان از انسان را ممکن می سازد. نه این که در شیوه های تولید قبلی استثمار وجود نداشته است بلکه به طور مثال در برده داری انسان برده در بست کل زندگی اش به برده دار تعلق داشت حتی بچه هایش به برده دار تعلق پیدا می کردند و تصمیم فروش و زندگی و مرگش با او بود. یا در دوره فئودالیسم دهقان وابسته به زمین برای ارباب مجبور به بیگاری بود و می توانست تکه زمینی هم برای خود داشته باشد. زن و کودکانش گرچه متعلق به خودش بودند اما آن ها هم به موقع مجبور به بیگاری، خدمتکاری، تن دادن به سوء استفاده جنسی و اجرای اوامر ارباب بودند اما در سرمایه داری کارگر نه برده به آن شکل است و نه وابسته به زمین. هیچ دارایی ای ندارد به جز نیروی کار خود اما سرمایه داری رباکارانه چنین می نماید که کارگر انسان آزادی است که در رابطه ای آزاد در مقابل سرمایه دار قرار می گیرد و آزادانه نیروی کارش را به این یا آن سرمایه داری که مایل باشد می فروشد و دستمزدی در ازای کاربرد نیروی کارش دریافت می کند که از این رابطه ی آزاد بیرون می آید. در واقع اما این طور نیست. اولاً کارگر مجبور به فروش نیروی کارش است. ثانیاً نیروی کارش کالایی است مثل هر کالای دیگر که به قیمت بازار-بازار کار- که در آن عواملی چون تقاضا و عرضه ی نیروی کار، رقابت بین کارگران برای فروش نیروی کار، حجم ارتش بیکاران یا نیروی ذخیره ی کار و شرایط اقتصادی و سیاسی و قانون کار و توان طبقاتی در مقابل طبقه ی سرمایه دار دخیل است، فروخته می شود. با این تفصیل وقتی این معامله صورت می گیرد کارگر دیگر حتی این آزادی دروغین را هم ندارد و دیگر نیروی کارش هم به خودش تعلق ندارد بلکه مایملک سرمایه دار می شود و او می تواند هر جا که بخواهد این نیرو را بکار گیرد. دیگر به کارگر مربوط نیست که با نیروی کارش چه می شود؛ چه چیزی تولید می شود؛ به چه منظوری تولید می شود؛ به چه اندازه تولید می شود؛ برای چه کسانی تولید می شود؛ چگونه و به چه قیمتی فروخته می شود. این چیزی است که به آن بیگانگی می گویند. بیگانه به نیروی کار خود، بیگانه نسبت به کاری

که می کند و بیگانه نسبت به کسانی که با او در انجام این کار شریکند. به کارگرانی فکر کنید که مین، انواع بمب، هواپیمای جنگی، اسلحه، گازهای سمی شیمیایی، اسلحه بیولوژیک، موشک و غیره تولید می کنند. این شاید اوج بیگانگی و از خود بیگانگی و بیگانگی با دیگر انسان ها باشد. این شرایط را سرمایه داری به انسان های کارگر تحمیل می کند که برای سیر کردن شکم خود و خانواده تن به چنین کار انسان ستیزی می دهند. مسلم است که آگاهی طبقاتی و همبستگی طبقاتی در بازدارندگی کارگر نقش مهمی بازی می کند. سرمایه داری با اختصاص ثروت اجتماعی به بخش کوچکی از جمعیت - سرمایه داران - فقر را همگانی کرده است، بنابراین نابرابری اجتماعی خصلت ذاتی سرمایه داری است و از مناسبات آن می آید. در گزارش جدید اکسفام "سود ساختن از درد ورنج" اطلاعات آماری وحشتناکی آمده است اما طبق معمول نهادهای تحقیقاتی نظام سرمایه داری آن را نه ناشی از خصلت سیستم سرمایه داری بلکه فرار سرمایه داران از پرداخت مناسب مالیات، سود جویی آنان و غیره می بینند و پیشنهادهایی برای تعدیل، اصلاحات و بهبود چهره ی سرمایه داری به دولت های سرمایه داری ارائه می دهند. ما بدون توجه به این دلسوزی ها از نتایج مطالعات برای نشان دادن چهره ی واقعی سرمایه داری استفاده می کنیم گرچه زندگی روزمره هر کدام از ما خود این سیاهی را فریاد می زند ولی چنان مشغول درد می شویم که عامل آن را فراموش می کنیم یا فرصت فکر کردن به آن پیدا نمی کنیم. در گزارش آمده است:

"شرایط اقتصادی ناشی از کوید ۱۹ و افزایش قیمت های انرژی و مواد غذایی به دنبال جنگ در "اکراین" در سال ۲۰۲۲ به گونه ای شده است که فقر و نابرابری اجتماعی را دامن زده است. در حالی که بیش از یک چهارم میلیارد انسان درگیر این وضعیت هستند و به فقر مفرط افتاده اند، کنسرن ها و سوپرپرولتومندان، از این وضعیت پول پارو می کنند. گزارش ادامه می دهد در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ تعداد ۲۶۶۸ میلیارد زن و مرد در جهان وجود داشت که ۵۷۳ میلیارد بیش از آغاز پاندمی در سال ۲۰۲۰ بود. یعنی در فاصله ی این دو سال ۵۷۳ میلیارد دیگر به میلیاردرها افزوده شده است. دارایی این میلیاردرها در مجموع ۱۲/۷ بیلیون دلار (تریلیون در فارسی، مساوی با ۱۰ به توان ۱۲) است. آن ها به خاطر پاندمی ۳/۷۸ بیلیون دلار به سرمایه شان اضافه شده است که برابر ۴۲٪ کل سرمایه شان است. مجموع دارایی آن ها برابر است با ۱۳/۹٪ تولید ناخالص جهان. همزمان با این وضعیت ۲۶۰ میلیون انسان به دلیل پاندمی و افزایش قیمت های مواد غذایی در خطر افتادن به فقر قرار گرفته اند. در این جا به ذکر مثال هایی در موارد مختلف پرداخته می شود:

مثال در رابطه با بخش مواد غذایی: افزایش قیمت مواد غذایی در سال گذشته ۳۳/۶٪ بود و برای سال ۲۰۲۲ یک افزایش ۲۳٪ انتظار می رود. در ماه مارس ۲۰۲۲ بالاترین افزایش قیمت مواد غذایی رخ داد

که از زمان آغاز محاسبه توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ یک رکورد بود. دارایی های انباشته شده ی میلیاردی مواد غذایی و کشاورزی در دو سال گذشته ۳۸۳ میلیارد دلار بود که ۴۵٪ افزایش داشت.

مثال در رابطه با بخش دارویی: کنسرن های دارویی تنها با مواد واکس کرونا سودی بیش از ۱۰۰۰ دلار در ثانیه داشته اند و واکسن ها را به دولت ها ۲۴ برابر قیمت تولید آن فروخته اند. پاندمی سبب سر برآوردن ۴۰ میلیارد دلار شده است که از انحصار شرکت تولید کننده روی مواد واکسن، معالجه بیماران با آن و انجام تست ها بوجود آمده است. در مجموع در جهان ۱۱/۶ میلیارد دوز واکسن تهیه شد یعنی بیش از یک و نیم برابر جمعیت جهان، اما در کشورهایی با درآمد پایین به دلیل عدم توان خرید واکسن کافی، تنها ۱۳ درصد جمعیت آن ها واکسینه شده اند. ۴ برابر بودن تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا در این کشورها نسبت به کشورهای ثروتمند بیان این تفاوت است.

مثال در رابطه با بخش حمل و نقل: شرکت حمل و نقل هایپاک لوید هامبورگی با پاندمی قیمت های خدماتش را هزار برابر بالا برد و در سال ۲۰۲۱ رکورد سود ۹/۳ میلیارد یورویی را حاصل کرد. دومین ثروتمند آلمانی کلاوس میثائیل کوهنه مالک ۳۰ درصد سهام هایپاک لوید است. او به تنهایی در این سال ۱/۹ میلیارد یورو از سود سهامش حاصل کرده است.

مثال در رابطه بی عدالتی جنسیتی: شمار زنان شاغل در سال ۲۰۲۱ نسبت به ۲۰۱۹ در جهان ۱۳ میلیون کاهش داشته است، در حالی که در این سال دوباره شمار مردان شاغل به سطح سال ۲۰۱۹ برگشته است. هدف عدالت جنسیتی - درآمد برای برابر کردن دست مزد زنان با مردان در کار مشابه - دائما از دسترس دورتر می شود. البته از آغاز انقلاب صنعتی در انگلیس تا کنون همواره از کار زنان به عنوان نیروی کار ارزان استفاده شده است اما به این معنی نیست که به مردان دست مزد عادلانه پرداخت می شود. کار مزدی هیچ گاه نمی تواند عادلانه شود سوا از این که نیروی کار مرد یا زن باشد، تازه کار کودکان هم با زمان بالا رفته است. زمان لازم برای این امر دیگر بیش از یک نسل افزایش یافته و به ۱۰۰ در مقابل ۱۳۶ رسیده است.

مثال در رابطه با نابرابری بین کشورها: گزارش معتقد است که قبل از پاندمی نابرابری در حال کاهش بود اما اکنون دوباره در حال افزایش است. به موجب وجود بدهی های خارجی عظیم بهبود وضعیت زندگی مردم در این کشورها به هم ریخته شده است و ۶۰٪ کشورهای با درآمد ضعیف در مرز ناتوانی بازپرداخت بدهی ها قرار گرفته اند. کاش محاسبه می کردند و ارائه می دادند که وام و اعتبار اولیه چقدر بوده و برای چه چیزی داده شده است، سودی که می بایست در افزایش پرداخت شود چقدر بوده و تا حال چه مقدار از آن بازپرداخت شده است و آیا اصولا این بازپرداخت ها توانسته تا کنون به خود وام و اعتبار برسد یا نه هنوز درگیر پرداخت سود است.